

ارزشهای اسلام و انقلاب را پاسداری کنیم (۳)

۳- خطر رجعت به دنیا گرایی

در کتاب خطابه ارسطو آمده است: «ارزشیاریک در نامه ای نوشت: آنانکه با ملوک در افتاده اند از دنیا بهره مندشان کنید و به زندگی آنها توسعه دهید تا این خود سبب نابودی آنان شود و پادشاهان از دستشان راحت گردند.»^۱

این سخن از هر که باشد سخن حکیمانه ای است، دنیا به طعمه ای ماند که در دام می نهند و به بهانه آن حتی شیران را به بند می کشند.

همانگونه که از واژه «دنیا» مفهوم می گردد، دنیا به معنای جهان پست است و دنیا گرایی به پستی گرائیدن، هر آنکه زندگی دنیا را آرمان خویش گرفت بناچار برای نگهداری آن به پستی ها تن خواهد داد. و هر آنکه طالب شخصیت و استقلال است نخستین شرط آن رهیدن از محدودیت تنگ دنیا و مظاهر آن است. خداوند عزت و کرامت را در رفاه و دنیا گرایی قرار نداده است. از اینرو اسوه های بشریت نسبت به دنیا روش زاهدانه پیموده و به کمترین رقاعت ورزیدند.

نگرشی بر زهد پیامبر (ص)

امام صادق علیه السلام فرمود: «جبرئیل نزد پیامبر خدا آمد و گفت: خداوند تورا سلام می رساند و می گوید: اگر مایل باشی سرزمین «طحا» را برای تو مبدل به طلا کنم. پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم رو به آسمان کرد و گفت: خدایا! نه، می خواهم یک روز سیر باشم تورا بباس گویم و یک روز گرسنه باشم و از تو مسکت نمایم.»^۲

ابن عباس می گویند: «پیامبر خدا صلی الله علیه وآله وسلم بدرود حیات گفت در حالیکه زره آن حضرت در ازای مقداری چوکه برای خوراک خاندان خود گرفته بودند رهن بود. و دارائی آن بزرگوار پس از مرگش تنها شتر سواری او بود.»

خطر

دنیا

گرازی

حجة الاسلام محمد تقی رهبر

پیامبر اکرم می فرمود: «انا عبدٌ آکل کما پاکل العبد و اجلس کما یجلس العبد» من بنده ای هستم و چون بنده نما می خورم و چون بنده می نشینم.

از امام صادق (ع) سؤال شد: در روایت آمده که پیامبر خدا صلی الله علیه وآله وسلم از زبان گندم سیر نشدند آیا این صحیح است؟ در پاسخ فرمود: «نه، آن حضرت نان گندم تناول فرمود و از زنان جوین سیر نگردید»^۳. اینها گوشه ای است از زندگی پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم که نمونه های دیگر آن بسیار است.

نگاهی به زهد علی (ع)

«عمار یاسر» می گوید: رسول اکرم (ص) به علی علیه السلام فرمود: «خداوند تورا به زیوری بیاراسته که دیگر بندگان را به زیوری پشندیده تر از آن بیاراسته است؛ آن زیور که ویژه ابرار و بندگان شایسته خداست، زهد و بی رغبتی به دنیاست، تورا چنان ساخت

که دست به دنیا نیالایی و دنیا از منزلت تو چیزی نکاهد و نیز دوستی مستمندان که به پیروی آنان از تو، راضی باشی و آنان به امامت تو راضی باشند.»^۴

امام صادق (ع) فرمود: «امیر مؤمنان در غذا خوردن از همه مردم به پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم شبیه تر بود، نان جو و سرکه و زیتون تناول می فرمود و به مردم نان و گوشت می خوردند.»^۵

امام باقر (ع) فرمود: «علی (ع) پنج سال حکومت کرد و آجر روی آجر و خشت روی خشت نهاد و زمینی را تملک نمود و طلا و نقره از خود به ارث نگذاشت»^۶.

عمر بن عبدالعزیز می گوید: «پس از پیامبر هیچیک از اجداد امت را سراغ نداریم که از علی بن ابیطالب زاهدتر باشد، او خشت روی خشت نهاد و سفلی از نی بنا نکرد.»^۷

سفیان ثوری از عمرو بن عوف روایت کرده که گفت: جماعه وصله داری در تن علی علیه السلام دیدند، زبان به ملامت گشودند. آن حضرت فرمود: «با این لباس دل خاشع می گردد و برای مؤمنان الگو می شود.»^۸ از این نمونه در سیره امیر مؤمنان علیه السلام بسیار است.

اکنون جای طرح این سؤال است که آنچه پیامبر (ص) و علی (ع) در دوران زندگی خویش عمل کردند، می تواند در همه ادوار به عنوان یک دستور العمل مطرح باشد؟ و یا شیوه زندگی در شرایطی بود که فقر و بیچارگی مسلمانان را تحت فشار قرار می داد و قهراً چنین روش زاهدانه ای را ایجاد می کرد؟ و آیا برای دیگران این مرحله زهد میسر است؟ و بالاخره الگو گرفتن برای انسانها بویژه مؤمنان از این سیره مبارکه در دیگر دوره ها باید چگونه باشد؟ در پاسخ این پرسشها باید گفت:

بدیهی است که اتخاذ چنین روشی زاهدانه برای همگان در همه شرایط به عنوان یک دستور الزامی نیست و اصولاً برای دیگران امکان آن نیست. همانگونه که حضرت علی (ع) در نامه به عثمان بن حنیف نوشتند: «شما نمی توانید مانند من عمل کنید»^۹.

در قرآن کریم است: «فل من حرم زینه الله الی اخرج لعباده والطیبات من الرزق...». بگو چه کسی آن

زیست‌ها که خداوند برای بندگانش آفریده و روزی پاک را حرام کرده است؟! ^{۱۰}

علی (ع) این عباس را در حالیکه جامه‌ای لطیف و حوله‌ای زیبا در برداشت نزد «ابن کواء» و یارانش از گروه خوارج فرستاد. آنها از روی اعتراض بدو گفتند: ای پسر عباس! تو بهترین کس در نظر ما بودی، چرا چنین لباسی را دربر کرده‌ای؟! ابن عباس گفت: قبل از هر چیز در خصوص همین مطلب با شما مناظره دارم و سپس آیه «قل من حرم زینة الله...» و آیه «خذوا زینتکم عند کل مسجد»^{۱۱} را خوانند.^{۱۲}

سفیان ثوری در مسجد الحرام امام صادق (ع) را در حالی که لباس زیبا و ارزشمندی در برداشت دید و گفت: بخدا نژاد وی می‌روم و او را سوزنش می‌کنم! سپس نزد آن حضرت آمد و گفت: ای پسر پیغمبر! بخدا سوگند پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و علی علیه السلام و هیچکدام از پدران شما چنین جامه‌ای دربر نکردند... امام علیه السلام در پاسخ فرمود: «پیامبر خدا در زمان فقر و تنگدستی مسلمانان می‌زیستند و از این‌سویه شیوه‌ای فقیرانه زندگی می‌کردند، بعد از آن دنیا به مردم رو آورد. و در چنین حالش سزاوارترین مردم به دنیا بندگان خوب خدا هستند» سپس آیه «قل من حرم زینة الله...» را خوانند و فرمودند: «بنابر این شایسته‌ترین کس برای پذیرش عطا‌ی الهی ما هستیم» در ادامه حدیث آمده که آنگاه امام زبیر بن خود را که زیر وختن بود به سفیان نشان داد و گفت: «این را برای خدا و آن را برای مردم پوشیده‌ام» و لباس پشمین سفیان را کنار زد که زیر آن لباس نرم و لطیف بود و فرمود: «تو آنرا برای مردم و این را برای راحت تن دربر کرده‌ای!»^{۱۳}

چنانکه ملاحظه می‌کنیم استفاده از نعمت‌های الهی برای مؤمنان و صالحان ممنوع نشده و در شرایط مساعد، رهبران دین نیز از دنیا می‌توانند برخوردار گردند، اما این برخوردارگی از روی شیفستگی یا لذت جویی نیست. بلکه اساس تفکر گرایش به معنویات و هدف ساختن آخرت و همدردی با مستمندان و مواسات با تهیدستان است. زیرا آسایش و رفاه، انسانی را به تن‌پروری و بی‌دردی و دوری از خدا می‌کشاند و از درد و رنج محرومان غافل می‌سازد. و کرامت نفس و عظمت فرد یا جامعه به تحقیر دنیا بستگی دارد.

علی علیه السلام در توصیف پیامبر گرامی اسلام

صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: «قد حفر الدنیا وصرفها واهون بها وهونها»^{۱۴}. آن حضرت دنیا را تحقیر نمود و ناچیز انگاشت و آن را سهل و آسان می‌گرفت و نیز در وصف یکی از یاران خود که برخی وی را «ابوذر سفاری» و برخی «عشمان بن مظعون» گفته‌اند می‌فرماید: «کان لی فیما مضی اخ فی الله وکان یعظمه فی عینی صغیر الدنیا فی عینه وکان خارجاً من سلطان بطنه فلا یشتی مالاً یجد ولا ینکر اذا وجد»^{۱۵}

مرا در گذشته برادری بود الهی که حقارت دنیا در نظرش، وی را در دیده من بزرگ می‌نمود، او به زیر سلطه شکم نرفت و به چیزی که در اختیار نداشت میل نمی‌کرد و در چیزی که داشت زیاده روی نمی‌کرد.

حافظ می‌گوید:

غلام همت آنم که زیر چرخ کبود

زهرچه رنگ تعلق پذیرد آزاد است
همچنین علی علیه السلام در گفتگویی که با عاصم بن زیاد داشت، وی را از زهد افراطی که به تعطیل چرخ زندگی می‌کشاند نهی فرمود و آنگاه که عاصم سؤال کرد که چرا علی علیه السلام در لباس و خوراک آنقدر به خود سخت می‌گیرد چنین فرمود: «و یحک انی لست کانت، ان الله فرس علی ائمة العدل ان یقتروا الفسهم بفضلة الناس کلا ینتبع بالفقیه فقیه»^{۱۶}. من با توفیق دارم، خداوند بر رهبران عدالت واجب ساخته خود را با ضعیف‌های مردم همگون سازد تا بنگدستی، مستمندان را پریشان احوال نکند و از جا بدر نبرد.



انقلاب اسلامی و خطر دنیا گرایی

این انقلاب به تعبیر حضرت امام نشأت گرفته از اسلام ناب محمدی (ص) و حاکمیت در این نظام باید نمایانگر حاکمیت و شیوه زندگی پیامبر و علی باشد. همچنانکه زندگی رهبر انقلاب امروزه چنین است و برای همه ما، بویژه مسئولین امور باید ملاک عمل قرار گیرد. بدون مبالغه، خط مشی حضرت امام چه قبل و چه بعد از انقلاب الگویی از خط مشی پیامبر و علی بوده است. برای مردم جهان مشکل است باور کنند که رهبر انقلاب اسلامی که جهان را به شگفتی واداشته در یک خانه استیجاری در جماران زندگی می‌کنند و خانه قدیمی امام در کوچه‌های قم، دفتر کار جهت خدمت به امت

مسلمانان است و بدین منوال است سایر جهات زندگی ایشان. کسانی که از زندگی شخصی امام آگاهی بیشتر دارند، از زهد و بی‌اعتنائی ایشان به دنیا و مادیات داستاها دارند که شایسته است برای مردم باز گویند.

آری! با این عظمت روح، امام امت توانست چنین انقلابی را رهبری نماید و بار مسئولیت را به منزل رساند و به شرق و غرب دست زد و بزهد و روح میلیونها مسلمان را در افطار جهان قبضه کند.

بر این اساس، بر مسئولین و متصدیان امور مملکتی است بیش از پیش امام را الگویی عمل سازند و بر همه ما است که در شیوه زندگی نیز پیرو امام باشیم تا بتوانیم بار سنگین مسئولیت انقلاب را به منزل رسانیم، بپوش باشیم به مادیات رجعت نکنیم، مصرف گرایی گریبانمان را نگیریم، از تنوع جویی بپرهیزیم چرا که رفاه و مصرف گرایی با مکتب و جوهره انقلاب ما سازگار نیست. درست است که ما نمی‌توانیم مثل پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و علی علیه السلام عمل کنیم و از روحیه بسیار بلند امام نیز برخوردار نیستیم اما بیاد آوریم که علی علیه السلام در نامه به عشقان بن حنیف نوشتند: «حال که در توان شما نیست مانند من عمل کنید پس مرا با و بی و پرهیزکاری و تلاش و مجاهده یاری دهید. زیرا امام و مأمور را باید نشاهی باشد»^{۱۷}

و نیز یاد آور می‌شود که: «اگر می‌خواستیم می‌توانستیم از غسل مصفا و مغز گندم تناول کنیم و لباس ایرشم بپوشیم اما هیات! که هوای نفس بر من غالب آید و حرص و آز مرا برگزینش لذا لذت و اطعمه وادارد، در حالیکه در «بیمامه» با حجاز کسائی باشند که به قرص نالی محتاجند و سیر شدن را یاد ندارند»^{۱۸}

چنین شیوه‌ای می‌تواند رابطه تفاهم مسئولان و کارگزاران را با مردم حفظ کند. البته این را همه می‌دانند که شخصیت‌های مملکتی ما زندگی اشرافی ندارند و اگر بعضاً از اماکن خاص و وسائل نقلیه مخصوص استفاده می‌کنند، به عنوان مقام رسمی و مسئول مملکتی است و اگر ضرورت مسئله امنیت نبود قطعاً آنان ترجیح می‌دادند به سادگی دیگران باشند. در این موارد، که البته محدود است، بحثی نیست و توقمی جز این نمی‌توان داشت.

اما باید اعتراف کرد در رده‌های بعدی و پاره‌ای سطوح، عملکردها در حد انتظار نیست. انتظار از آن جهت که این نظام را که ثمره مجاهدات و خونبهای شهیدان مستضعف جامعه است، مردم این حکومت



را جانشین حکومت علی می دانند و توقع دارند نموداری از زهد و قناعت و بی توجهی به دنیا و مظاهر مادی باشد.

وقتی به علی علیه السلام خبر می دهند «عثمان بن حنیف» به یک مهمانی عروسی اشرافی در بصره رفته، بی درنگ طی نامه ای وی را مورد عتاب قرار داده و می نویسد: «من فکر نمی کردم بر سر سفره مهمانی ای بنشینم که نیازمندان محروم رانده شده و نواتگران رفاه طلب فرا خوانده شده اند»^{۱۱} اگر عثمان بن حنیف، استناد را با فرماندار علی علیه السلام نبود شاید مستوجب چنین عتابی نمی شد. عتاب از آن جهت بود که او نماینده امام است و عملش به حساب امام گذارده می شود.

امروزه ما چنین وضعیتی داریم، مسئولین ما اعم از روحانی و غیر روحانی در هر سطحی که باشند نماینده امامند و خدا و بندگانش از آنها انتظار دارند و آنانکه عمری را با مجاهدت و ریاضت و سادگی زیستند، امروزه باید مراقب باشند در کام مادیات نیفتند.

امروزه اشکال این نیست که مثلاً فلان مسئول در بانک های خارجی ثروت اندوخته یا کاخ سلطنتی ساخته، نه! همه می دانند که مسئولین ما اینگونه نیستند. و نیز انتظار نیست که مثل امیرالمؤمنین علیه السلام نان جو بخورند و لباس کرباس بپوشند، زیرا زمان دگرگون شده و سیستم زندگی تغییر یافته است. اما در میان این دو محدوده مرحله ها است که به احتیاط و دقت و مراقبت دائم نیاز دارد.

حضرت امام، همانگونه که بارها گفته اند و همچنین مردم دوست دارند مسئولین امور بویژه روحانیت را که عمری با ریاضت و قناعت زیسته اند در عین سادگی و بدور از تجمل و تشریفات ببینند که اکثراً چنین هستند. اگر یک مسئول یا یک طلبه را با پیکان و مشابه آن ببینند بیشتر احساس رضایت و آرامش می کنند تا با ماشینی های پرسر و صدا و اکثراً غیر ضروری. اصولاً تجمل و رفاه، نه برای نظام ما افتخار است و نه برای مسئولین و روحانیت ما که شخصیت و افتخار خود را مدیون معنویت و سادگی و زینتی و مردمی بودن خود می دانند که این ارزش را باید حفظ کنند.

توصیه حضرت امام باید همواره پیش روی ما گشوده باشد که فرمودند: «من اکثر موفقیت های روحانیت و نفوذ آنان را در جوامع اسلامی در ارزش

علمی و زهد آنان می دانم و امروز هم این ارزش نه تنها نباید به فراموشی سپرده شود که باید بیشتر از گذشته به آن پرداخت هیچ چیز به زنی دنیا گرایی روحانیت نیست و هیچ وسیله ای هم نمی تواند بدتر از دنیا گرایی، روحانیت را آلوده کند».

شرایطی است بسیار حساس که ما باید به لحاظ مصالح اسلام و حفظ اعتقاد و اعتماد مردم، از بسیاری امور حلال که رنگ لذت و رفاه دارد، چشم پوشی کنیم، مراقب باشیم خود یا فرزندان و اطرافیان مان بدام تجمل و ولخرجی نیفتیم که این به حساب اسلام و انقلاب گذارده خواهد شد.

ساده زیستی باید به صورت یک فرهنگ و یک ارزش، حاکم بر زندگی ما باشد. چه در زندگی شخصی خانوادگی یا اجتماعی، سیستم دولتی یا مردمی، در برخورد با خارجی ها و سفارتخانه ها و ضیافت ها و کنفرانسها و سمینارهای بین المللی و در ساختمانهای شخصی یا دولتی، در سفرهای خارجی و اعزام ها، در مسکن، اتومبیل، لباس، غذا و عروسی و عزا و حتی سفره های افطار... و غیره.

اگر توانستیم با این فرهنگ زیست کنیم و ارزش معنویت گرایی را که جوهره انقلاب ماست برای همیشه پاس داریم، آنگاه از استقلال و عدم وابستگی دم توانیم زده، زیرا استقلال سیاسی و فرهنگی بدون استقلال اقتصادی نامفهوم است.

ملاحظه کردیم که واکنش جهان استکبار و سران کفر و بازار مشترک در برابر حکیم قاطع و شرعی لازم الاجرای امام امت اسلامی در وجوب اعدام سریع نویسنده هتاک و تبلیغ و ذل کتاب آیات شیطانی و ناشران و دست اندرکاران آن چه بود. آنها ما را به قطع رابطه و تحریم اقتصادی می نرسانند. چرا که لفظه ضعف ها در مادیات ظهور می کند و ما باید داغ کارگر آمدن این تهدید و توطئه را به دل دشمنان کینه توز اسلام و بشریت بگذاریم و عزت اسلام و کرامت امت مسلم را بر هر چیز دیگر مقدم بداریم و این با پشت کردن به مادیات اسارت آور میسر است و بس...

از سوی دیگر، چون در وضع موجود امکانات مورد نیاز در کشور ما محدود است و دست اندرکاران امور و مسئولان ذی تقوؤ باید سعی کنند از آن روایی که این امکانات بدست مردم می رسد، تخلفی نشود و امتیازات و رابطه ها جایگزین ضوابط نگردد، مردمی که سالها و ماهها در نوبت پیکان و لاستیک اتومبیل و لوازم یدکی بسر می برند مشکل است هموار

کنند که فردی مثلاً طی هفت هشت سال مأموریت یا مسئولیت، چند نوع اتومبیل بگیرد و از آن دست بفروشد یا به نزدیکان واگذار کند یا نهادی و بنیادی یا شرکشی به مشابه این عمل اقدام نماید و امثال اینها... این را نه خدا می پسنند نه وجدان و نه امام به آن راضی هستند...

اگر ما اینگونه حقایق تلخ را ننگوئیم و در پی چاره جویی سریع برای مشکلات نباشیم، دشمن با مقاصد تخریبی می گوید و دوست رنج می برد و دیر یا زود زیر پای انقلاب و نظام که اعتماد مردم است خالی می گردد. لذا بر مسئولان و دست اندرکاران دلسوز است که با قاطعیت جلوسوه استفاده ها که نشأت گرفته از خودخواهی و دنیا گرایی عده ای فرصت طلب است را بگیرند و همگی مراقب باشیم در این دام نیفتیم... و در هر حال باید از خودمان شروع کنیم. موارد تخلف گر چه زیاد نباشد اما برای آینده انقلاب ما شدیداً خطرناک است.

امروز کشور و انقلاب به فداکاری و مجاهده با نفس نیاز مبرم دارد که این خود مرحله ای از جهاد و سازندگی است و اینکار باید از نهادها، وزارتخانه ها، مؤسسات دولتی، مسئولین، دست اندرکاران امور و راهنمایان فکری و دینی مردم آغاز شود تا برسد به مردم که امتحان خود را در طول سالهای انقلاب و جنگ و جاتبازی و شهادت داده اند. و امروزه نیز این سخن امام آویزه گوش همه ما است که: «مردم باید تصمیم خود را بگیرند یا رفاه طلبی و مصرف گرایی یا تحمل سختی و استقلال و این مسئله ممکن است چند سال طول بکشد ولی مردم ما یقیناً دومین راه را که راه استقلال و شرافت و کرامت است انتخاب خواهند کرده». ارزش این سخن را امروز که توطئه خائسانه فرهنگی-سیاسی استکبار جهانی بویژه غرب در پرده ای دیگر به نمایش گذاشته شده است بهتر می توانیم درک کنیم.

شایان ذکر است که هدف این مقال توجیه وضع موجود در حوائج روزمره مردم و مسائل اقتصادی جامعه نیست. نیازهای حیاتی، کمبودها، تورم، گرانی، چند نرخ، احتکار، بازار سیاه، توزیع نامطلوب در برخی موارد و باره ای امتیازات غیر عادلانه در استفاده از امکانات موجود، چیزی نیست که ادامه آن ممکن و صلاح یک کشور انقلابی باشد. لذا بر نهادهای اجرایی و اقتصادی است با حفظ اصول پذیرفته شده انقلاب

مخبله‌شان نبود و همین امر به آنها انگیزه مبارزه میداد. در یک کلمه «ادای تکلیف».

فراموش نکنیم که انسانهای پاک‌تری در شبکه گاه‌های رژیم بعث عراق سختی‌ها را تحمل کرده و یا در شیخ کوه‌های کردستان بدست مزدوران استخبار جهانی با تیر و آرز و... قطعه قطعه شده‌اند تا ارزشهای اسلامی اقامه شود.

فراموش نکنیم که امت حزب الله فشارهای جنگ شهرها و سختیهای اقتصادی و کمبودهای رفاهی و دهها مشکل و گرفتاری دیگر را با قامتی استوار تحمل کرده و خم به ابرو نیاورده و چشم انتظار تحقق اسلام عزیز و پیامهای امام خود نباشد.

در نظر آوریم نگاه حسرت زده و خشم آلود فرزندان

پیشم و طبقات محروم جامعه را که شاهد تصرف امکانات عمومی جامعه از سوی فرزندان طبقات مرفه بوده که در سایه تمکن مالی و پایگاه اجتماعی خود به پیش میروند تا دور تسلسل باطل بقای فاصله فقر و غنا را پاسداری نمایند؟!؟

در نظر آوریم که چشمان حسرت زده مردم صبور و مقاوم و ایثارگری که در همه صحنه های انقلاب پاسدار آن بوده‌اند و بهنگام رفتارهای تشریفاتی و ژستهای شربی مآبانه ما را رهگیری میکنند که چرا در شرایط سخت اقتصادی و کمبود امکانات رفاهی، جلوی هزینه های تشریفاتی را نمی گیریم؟ و این مردم با بزرگواری خود عملی رفیم درک این مسئله که همه مشکلات مملکت ناشی از ناچاری نیست باز هم در

صحنه های حفاظت از انقلاب مقدس اسلامی مردانه حضور پیدا میکنند و بر ما می بخشند.

بخاطر داشته باشیم که چشمان حسرت زده میلیونها مسلمان و مظلوم جهان در زندانها و با زیر فشارهایی که مشابه آنرا در دوران رژیم شاه تحمّل کرده ایم در سراسر جهان به ما دوخته شده است که نعمت الهی انقلاب اسلامی را چگونه پاس میداریم و تجربه حکومت اسلامی را که آرمان فطری انسانهاست چگونه عبثت می بخشیم؟

و فراموش نکنیم که استقبال مردم از ما بعنوان پسر امام و بخاطر امام است. پس تا دیر نشده است بگوئیم پیامهای حضرت امام را جدی بگیریم که فردا دیر است.

پایان

بقیه از منابع پیام امام در کتاب و سنت

فرمود: «خداوند جانشینان مرا بیاورد (سه‌بار) از حضرت سؤال شد: جانشینان شما چه کسانی هستند؟ فرمود: آنان که پس از من می آیند و احادیث مرا برای مردم بازگو می کنند»^{۱۱}.

داود بن قاسم جعفری می گوید: کتاب «بوم وليله» یونس را خدمت امام عسکری سلام الله علیه آوردند. حضرت فرمود: این کتاب، نوشته گبست؟ عرض کردم: نوشته یونس مولای آل یقطین است. فرمود: «خداوند برای هر حرف این کتاب، به اونوری در روز قیامت خواهد بخشید»^{۱۵}.

در روایتی از حضرت رسول صلی الله علیه وآله نقل شده است که فرمود: «طلب علم نزد خداوند افضل و برتر است از نماز و روزه و حج و جهاد در راه خدا»^{۱۴}.

امام خمینی هم پس از تجلیل از این عالمان بزرگ می فرماید: «اگر ما نام این همه زحمت و مهارت را جهاد فی سبیل الله بگذاریم چه باید بگذاریم؟».

ادامه دارد

۱- کتزالعمال - ج ۲۸۷۱۵ - در روایت دیگری نیز آمده است: «وزن جبر الطیاء بدم الشهداء فریح علیه». مرکب عالمان با خون شهیدان در ترازو گذاشته شد، و مرکب عالمان بر آن سنگین تر آمد.

۲- بحار الأنوار - ج ۲ - ص ۱۱ به نقل از امامی صدوق.

۳- میزان الحکمه - ج ۶ - ص ۴۶۵ به نقل از کتاب «ترغیب».

۴- روایت از رسول اکرم «ص» است و در بحار ج ۲ - ص ۲۲ آمده است.

۵- در تفسیر مجمع البیان - ج ۶ - ص ۲۵۳ روایتی از رسول اکرم صلی الله علیه وآله نقل شده که فرمود: «من جاءه منه وهو يطلب العلم فینه و بین الاشیاء درجه» هر که مرگش فرا رسد و در حال طلب علم باشد، بین او و بین اشیا یک درجه بیشتر نخواهد بود. دقت فرمائید که این درجه والا برای طلبه ای است که در اشای طلبه بودن، از دنیا برود، حال اگر همین طلبه، در راه خدا شهید بشود و بنا به شهادت از دنیا برود، که هم به شهادت حکمی نائل آید و هم ثواب شهیدی دیگر دارد، اجر و پاداشش را چه کسی غیر از خداوند می تواند تعیین نماید.

۶- صحیح مسلم - ج ۳ - ص ۱۴۹ - روایت دیگری نیز به همین معنی و با کمی اختلاف از حضرت رسول «ص» در کتاب کتزالعمال نقل شده است.

۷- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید - ج ۶ - ص ۹۹.

۸- مصدر سابق - ص ۹۳.

۹- سوره احزاب - آیه ۲۳.

۱۰- رجال کشلی - ص ۴.

۱۱- احتجاج طبرسی - ج ۲ - ص ۱۲۵.

۱۲- تحف العقول، ص ۱۷۲.

۱۳- بحار الأنوار - ج ۲ - ص ۱۴۴ به نقل از امامی صدوق.

۱۴- بحار - ج ۲ - ص ۱۱۵.

۱۵- بحار - ج ۲ - ص ۱۵۰ به نقل از فهرست نجاشی.

۱۶- کتزالعمال - ج ۲۸۷۱۵.

بقیه از خطر دنیا گرایی

اسلامی و با توجه به رهنمودهای جانبخش حضرت امام در رفع این مشکلات بکوشند و با تدبیر و برنامه ریزی و دلسوزی و قاطعیت به میدان عمل بیایند و فشر مستضعف و محروم یعنی اکثریت جامعه را از این فشار شکننده اقتصادی خلاص کنند که صحت نسبا جز آثار منفی نمره ای بار نمی آورد.

به امید موفقیت خدمتگزاران صدیق و فداکار انقلاب.

ادامه دارد

- ۱- خطابه ارسطو - ص ۲۸۸.
- ۲- بحار الأنوار - ج ۱۶ - ص ۲۳۸.
- ۳- بحار الأنوار - ج ۱۶ - ص ۲۳۹.
- ۴- بحار الأنوار - ج ۱۶ - ص ۲۴۲.
- ۵- بحار الأنوار - ج ۱۶ - ص ۲۳۴.
- ۶- مناقب آل ابی طالب.
- ۷- بحار الأنوار - ج ۵۰ - ص ۳۳۰.

- ۸- مناقب ابن شهر آشوب. به نقل کتاب امیرالمؤمنین.
- ۹- تذکره الخواص ابن الجوزی، به نقل کتاب امیرالمؤمنین.
- ۱۱- نامه ۴۵ نهج البلاغه.
- ۱۲- احرف / ۳۲.
- ۱۳- احرف / ۳۱.
- ۱۴- المیزان - ج ۸ - ص ۹۱.
- ۱۵- المیزان - ج ۸ - ص ۹۲.
- ۱۶- خطبه ۱۹۰ نهج البلاغه.
- ۱۷- فصار الحکم / ۲۸۹.
- ۱۸- باب خطب ۲۰۹ نهج البلاغه.
- ۱۹- ۲۰ و ۲۱ و ۲۲ نامه ۴۵ نهج البلاغه.